



اگر مشکل نبوده، زندگی نبود. انسان متکامل از مشکلات استقبال نموده تا تجربه کسب نموده و تکامل بیشتر یابد، پس حال که انواع مشکلات برای همه کس و تاپایان عمر وجود دارد، جقدر درد آوراست که انسانی در مقابل آنها قد خم کند و یأس و ناامیدی بدل راه دهد.

مجاهد شهید فاطمه امینی

# هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به

## مرکز امداد پزشکی مجاهدین

از مهاجمین دستگیر شده گارت و مدارک  
عضویت در بعضی از کمیته‌ها، پاسداران  
انقلاب اسلامی، مدافعان توحید، شورای  
اسلامی گوند نشین بدست آمد.

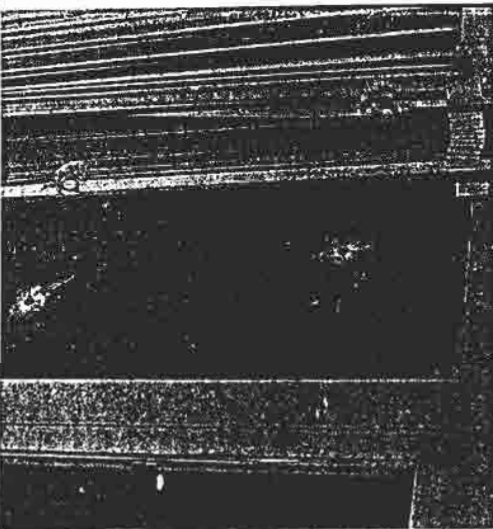


این حمله از طرف کمیته مرکزی انقلاب اسلامی محکوم شد. ولی آنها موسی خیابانی و مهدی ابرشچی بینه در صحنه ۲

بدین حال حمله سراسری ارتجاع به مراکز و هواداران سازمان مجاهدین خلق در رابطه با اعلام نامزدی ریاست جمهوری برادر مجاهدان مسعود رجوی مرکز امداد پزشکی مجاهدین خلق برای چندمین بار مورد حمله وحشیانه و مسلحانه متشی عناصر اوپاش چاق بدست قرار گرفت.

مهاجمین اینبار بطور ناچواری بردنهای در نیمه‌های شب و با استفاده از فاشیستی‌ترین شیوه‌های شکن، خواهران و برادران ما را مورد حمله و هجوم مسلحانه خود قرار دادند. مقاومت دلایران ما در نیمه‌های خواهران و برادران ما در نیمه‌های شب و در زیر رگبار گلوله‌ها و ضربات چوب، چاق و قمه‌های مهاجمین که منجر به زخمی شدن تعدادی از آنها شد، پاریدگر این حقیقت را اثبات کرد که ما هرگز حتی در سخت‌ترین شرایط تسلیم منقلب زور و چاق و زنجیر نخواهیم شد، و اجازه نخواهیم داد که شتی رجاله آلت دست امپریالیسم خون شهیدانمان را پایمال کرده و به انقلابمان خنده وارد کنند.

گواه اثبات این حقیقت بدنهای مجروح خواهران و برادرانی است که در مقابل حمله اوپاش مسلح به اسلحه سرد و گرم مقاومت کردند و با اینکه مورد اصابت گلوله و چاق و چاق مهاجمین قرار گرفتند کوچکترین غلی در مقاومتشان ایجاد نشده و همچنان از خون شهیدان والا مقامان که امروز



آثار گلوله‌های افراد کمیته انقلاب اسلامی ۱۱ بر روی شیشه‌های اتاقی که بیماران در آن بستری بودند.

در حراست از مراکزمان تجلی می‌گردد پاسداری کردند و اکنون هم بعضی در بیمارستانها بستری هستند. حمله اخیر مهاجمین به مرکز امداد پزشکی ما عملاتی که فلا صورت گرفته بود کفایت طاوت داشت. این مرتبه اوپاش با استفاده از کوشل و سه راهی و هم چنین اسلحه گرمی و در حمایت رگبار مسلحانه افراد بعضی کمیته‌ها ساختمان را مورد حمله خود قرار دادند.

مدارک بدست آمده از مهاجمینی که بداخل ساختمان حمله کرده و توسط هواداران ما دستگیر گردیدند، نشان دهنده عضویت آنها در بعضی کمیته‌ها می‌باشد.

همچنین در میان مدارک بدست آمده گارنی با نام مدافعان توحید دیده می‌شود که حاکی از سازماندهی دقیق این اوپاش می‌باشد. آنها از این کارت برای شناسایی افراد خود در مواقع حمله به مراکز و اجتماعات نیروهای انقلابی استفاده می‌کردند.

### پیرامون اخلاق اسلامی و بررسی آن در انتخابات :

هر طبقه و قشری از واژه‌های نظیر عدل و ظلم، حق و باطل، آزادی و... عملات تعبیرات خاص خود را دارد.

بدرستگاه شلیقات انتخابات ریاست جمهوری امام خمینی گفتند: "من بسیار مایل هستم که گروهی هائی که متحد و متضاد به جمهوری اسلامی و خدمتگذار به اسلام هستند در مبارزات انتخاباتی کمال آرامش را در تبلیغ کاندیداهایشان رعایت نمایند و نسبت به دیگر نظام و مسیبت و اغوت اسلامی داشته باشند..."

شاید تا کنون بعضی‌ها تصور می‌کردند که وقتی نیروهای مختلف به رعایت اخلاق اسلامی دعوت میشوند، همه آنهاست که مدعی اسلامند حامی واحدی را از آن تداعی کرده و رفتار متناسب و یکسانی در درین رابطه بروز

### شهید دزدی سارقین سیاسی !! مرجعین و فرصت طلبانی که از ارزشهای خلق شده توسط انقلاب بیون صدیق سود می‌جویند

بعلت ماهیت ارتجاعی تان هرگز توان درک قانونمندیهای خدشه ناپذیر هستی را ندارند از ایزو شتاب تکامل سرعت آنها را محو می‌کند و باید که چنین باشد زیرا آنها انقلاب و انقلابی بودن را با غارت مواز فریبی اشتباه گرفته‌اند.

سرقت ارزشهای شهیدانی که سازمان کار تازه‌ای نیست و سوسه‌چنان است و مجاهدان! بعد از انقلاب بارها و بارها این عمل را انجام داده‌اند. وقتنامه‌تر از تمامی این دردنیها

تنها محکوم کردن قضیه کانیست و مهمتر از این چگونه می‌خواهند شرکت اعضا خود را در این حملات توجیه کنند. آیا کمیته‌ها نمی‌توانند جلوی این حرکت‌های فاشیستی را بگیرند؟ همگان معتقدند که چرا !!

در رابطه با حمله اوپاش عمر روزیکشنبه ۵۸/۱۱/۷ در محل مراکز امداد پزشکی مجاهدین مساجد مطبوعاتی با شرکت دو تن از رهبران مجاهدین خلق ایران موسی خیابانی و مهدی ابرشچی صورت گرفت که خبرنگاران شرکت‌کننده اسناد و مدارک گرفته‌شده از مهاجمین و همچنین آثار تیراندازی‌های آنها را بر در و دیوار محل امداد پزشکی مشاهده کردند. و ما این مساجه را ذیلاً می‌آوریم :

بعضی احزاب و دستجات و گروهک‌های تازه به دوزان رسیده که از خود مابه‌ای ندانسته و ندارند می‌گویند تا در دیدن ارزشهای انقلابی خلق شده بازار خود فراهم آورند. تا شاید چند صاعی به دکان مواز فریبی خود رونق بختند.

اینها همان احزاب و گروه‌هایی هستند که دفعتاً و فرصت طلبانه سرگی می‌کنند و در اندک زمانی خاموش و رهسار ریال‌مدان تاریخ میشوند. آنها

مصاحبه مطبوعاتی:

بسم الله الرحمن الرحیم - حتماً صدانید که دیدن به ستاد امداد ما حمله نشود در همان رابطه است که برادرانمان

بقیه از صفحه اول

توضیحاتی داده به شوالیه مربوطه جواب میدهد. در ضمن مدارکی هم از این جریان بدست آمده که در اختیارتان میگذازانم که میتواند ببینید.

### سخنران برادر مجاهد موسی خیابانی

با عرض سلام و تشکر از آقایان خبرنگاران: همانطور که برادرم توضیح داد این مصاحبه در رابطه با حمله وهجوم مسلحانه است که محدداً "دیشب" میان مرکز صورت گرفته. البته مسئله دیشب یک نمونه و یک مورد است که از موارد متعددی است که تا حالا وجود داشته. بطور کلی ما در جریان انقلاب و بعد از پیروزی قیام یعنی در مدت یکسال اخیر متأسفانه با یک پدیده زشت، درجاسم نام و در جریان انقلاب ما مواجه بودیم، و فکر میکنم همه با آن آشنا هستیم، بخصوص آقایان خبرنگاران که در جریان همه مسائل بوده اند... این همان جریان جفاکارانه است که عوامل اجرائی آن عناصر و افراد ناکام و با اجیر شده تشکیل بدهندگان و عمدتاً همان افراد لیب و ارایش و گاه ساواکها هستند که مسلح به انواع سلاحهای سرد از قبیل چوب، چاق، زنجیر، فته، پنجمیکس و گاه همه مسلح به سلاحهای گرم مأموریت خود را انجام میدهند. در این یک سال اخیر در موارد زیادی با معلق کردن هایمان روبه رو بودیم. اقدامات افراد محولاً "حمله به مراکز احزاب و گروههای سیاسی حمله به کتابخانه ها و کتاب فروشی ها و انجمن ها و تخریب و آتش زدن آنها و... حمله به اجتماعات و تظاهرات سیاسی و همینطور حمله و هجوم به افراد و عناصر مترقی و هواداران سازمانهای سیاسی و انقلابی در هر کجا که دسترسی پیدا کردند. و بطور مشخص در جریان فعالیت تبلیغاتی برای نارضاعدهای ریاست جمهوری، در این حملات تنگ زدند و حتی کشتند. اقدامات این جفاکاران به یک نمونه و با حتی چند نمونه محدود نیست بلکه آنقدر زیاد بود که بصورت یک جریان در آمده است. بطور قطع این پدیده زشت چهره انقلاب ما را واقعا زبر و خرد کرده و این قابل تحمل نیست که در جریان یک انقلاب رهائی بخش، و بخصوص انقلابی که اسلامی هم باشد، ما با چنین پدیدههایی مواجه باشیم. بدون شک این جریان تصویر

# هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به مرکز امداد پزشکی مجاهدین

XXX

که اینها برای شناسائی ناصر خودشان استفاده می کردند، و در بازسی از چندتن از آنها بدست آمده است. در بالای این کارت عبارت "درود بر خینی" نوشته شده و این بسیار تأسفار است که این عناصر انقلابی و وشیشانه خود از نام امام علیا استفاده می کنند. در حالیکه واقعا کارهایشان بر علیه امام است. آنها بدینوسیله می خواهند چهره امام را هم مخدوش کنند. زیر آن نوشته: "شوری اسلامی گودنشین" و تاریخ روز هم در آن قید شده. مدرک دیگری هست تحت عنوان کمیته امداد امام خینی، حزب جمهوری اسلامی، بخش مربوط به تکثیر مکتب شهید، که اینهم در جیب همان حسن خزانه بود. بهرحال ما این مدارک را پیش خودمان نگاه داشتیم به این دلیل که بتوانیم به مردم ارائه دهیم و بدین وسیله ماهیت این نیروها را برای آنها مشخص کنیم.

پس از اینکه ما اینها را از ساختمان بیرون بردیم و این چند نفر را به داخل آوردیم، متعلق به ستاد مرکزی کمیته مرکز واقع در بهارستان تلفن کردیم. و واقعاً در حقیقت برایشان گفتیم و گفتیم که چپارتن از این عناصر الان داخل هستند. که متأسفانه شناسائی و پاسدار هستند. شما می توانید شناسائی و اینها را تحویل بگیرد، با اینکه بگویید ما چه کار کنیم، که کمیته مرکز به ما جواب داد اینها را بدهند به کمیته همان حوالی (امداد تلفاتی) و ما هم اینها را به آنجا تحویل دادیم. بدینال این جریانها و بعد از اینکه ما اینها را آزاد کردیم، اینها رفتند و در نیماست از آنها خبری نبود. تا اینکه دوباره حمله کردند. حدود ۲۰ گونگل برتاب کردند، این کارتها خرابه کناری و حیاط شمالی و حتی منزل یکی از همسایع را که نبش کوچک است، به آتش کشید، که اکنون آثار این آتشسوزی کاملاً ججا مانده و همسایعی که خانهایش به آتش کشیده شده آذامده است که شهادت بدهد. البته این آتشسوزی با گوش برادران ما خاموش شد، علاوه بر این ماهسمن چندین سرحاهی به داخل حیاط برتاب کردند که آنها هم با تلاش برادران خوشخانه خشتی شدند.

طرف کمیته انقلاب اسلامی ستاد چهار منطقه ۱۰ من متن آن را می خوانم: "برادر مصطفی موسوی، سر گروه ضربت شماره ۴، ستاد عملیاتی ۴ منطقه ۱۰، مجاز به حمل اسلحه می باشد". این شخص خودش یکی از افرادی بود که نتوانست فرار کند و بوسله برادران ما به داخل آورده شد و این مدرکی است که نشان می دهد ایشان به کجا وابستاست.

مصدق موسوی سرگرو ضربت شماره ۲: برک مأموریت دیگری هست از همین آقای موسوی که نشان می دهد که ایشان برگهای هم جور کرده، تا حمله مسلحانه به اینجا را مجاز جلوه دهد. در این برگ به اصطلاح مأموریت چنین نوشته شده: "بدینوسیله به آقای موسوی مجهز به سلاح گرمی اجازه داده می شود تا با پایان مأموریت خودشان انجام شناسائی شود، که در کیمات "سازمان" "توحید" و نیز عبارت "سازمان" خانواده گی و شماره روی آن نوشته شده بود. از این کارتها در مواقع هجوم و اشغال مراکز انقلابیون، برای تعیین عناصر خودشان از بقیه استفاده می

ترتیب اثر داده نشد. تا اینکه دیشب مجدداً به اینجا حمله شد. اما این دفعه حملهای بود کیفیتاً متفاوت، به طوری که اگر هوشتاری برادران ما نبود، به احتمال زیاد ۳۰۰ نفر از مرکز امداد از فردی که با کلت به طرف ساختمان و افراد مستقر در آن نشانه گیری کرده بود عقوبت کردیم و در نتیجه مجاهد هم منفک شد. براساس تحقیقاتی که بعداً کردیم و اطلاعاتی که دیگران با مشاهده این عکس در اختیار ما قرار دادند، معلوم شد که این فرد قبلاً "عضو ساواک و ظاهراً جزو نهیهای تعقیب و مراقبت آن بوده ولی پس از قیام به عضویت یکی از کمیتهها وارد است. او بعداً "همین فرد در حرکات مختلف به مراکز ما و منجمله حمله به اینجا نقش فعالی به عهده میگردید تا اینکه از او عکس گرفته شد. البته ما نتوانستیم تحقیقاتمان را در اختیار کمیتهها و مراکز و مقامات مسئول قرار دادیم. "متأسفانه" اسم و سوابق او قبلاً فعلی این فرد را که البته با قاطعیت میتوان گفت از این دسته هستند، هم نمی دانیم (گفته است). اما یکی از نیروهایی که بطور مشخص مورد این تهاجمات قرار داشته، سازمان ما یعنی سازمان مجاهدین خلق بود ماست، که در این یکسال مابکرات در مراکزمان، در ضمن مراسم و در اجتماعات هواداران سازمان و از جمله در همین مرکز امداد فعلی این فرد را که فعالیت های آن توضیح میدهم، بارها مورد حمله و هجوم قرار گرفته ایم. ما اینکه دیشب در اینجا با یک هجوم مسلحانه واقعا وحشیانه روبه رو شدیم و شا اکنون جای تیرها و اثرات تیرها را می بینیم. اینجا را به رگبار بستند، که جاهای آن همه، روی دیوارها، می توانید بعداً همه جا را ملاحظه کنید. همین چند روز پیش بود که یک نفر از هوادارهای سازمان از ضمن فعالیت های تبلیغاتی وحشیانه به شهادت رساندند منظوری برادر شهید عباس عثمانی است که ضمن بخش پوستری تبلیغاتی مورد هجوم این عناصر اوایش قرار گرفت و در اثر ضربات و جراحات وارده شهید شد.

البته بطوریکه در اعلامیه مربوطه توضیح داده شده، روزهای پیش از انتخابات ما برای کمک به حفظ آراش، این مطلب را عنوان نکردیم. تا اینکه بعد از انتخابات یعنی دیروز، مطلب در بیانات منکس شد. اما در برابر این حملات ناجوانمردانه و بی دریغی ما هواری تلاش کردیم صبر و بردباری داشته باشیم. چرا که ما یک نیروی سئول هستیم ما صالح و منافع انقلاب را در نظر داریم و آنها را رعایت نمی کنیم. سعی ما این بوده است که به اقدامات متقابل و کور موشل نشویم و واکنشهای متقابل نشان ندهیم. تنها یکسری اقدامات سیاسی انجام دادیم؛ از جمله: از همه جا اطلاع دادیم، مراتب را به میان گذاشتیم، نامه با آنها در میان گذاشتیم، نامه نوشته ایم. اعلامیه دادیم و واژه های درخواست کردیم که به این مسئله رسیدگی کنند و برخورد جدی با این مسئله بکنند. و آخرین مورد این اقدامات نامی بود که در دوم بهمن ماه در رابطه با حمله به همین مرکز امداد خطاب به وزیر کشور، سرپرست سپاه پاسداران، سرگرو ضربت کمیتههای انقلاب و ستاد کل انقلاب نوشته شد و روزوش آن هم در اختیار مطبوعات قرار گرفت که در جریان هستند. ضمن این نامه ما جریان این حملات را متذکر شدیم. منجمله حملاتی را که متأسفانه روی اینجا متمرکز بود و اطلاع کردیم که این مسئله برخورد جدی بشود و اگر ممکن است اتفاقات ناگواری بپفتد، کسی گفته بشود، و متذکر شدیم که این گروه معدود و محدود چیزی نیست که نشود با آن برخورد کرد. ولی متأسفانه به این تقاضاهای ما از طرف مقامات مسئولیتی که مورد خطاب ما بودند،

## گزارش کوتاهی از جفاکاری مرکز امداد پزشکی

بسم الله الرحمن الرحیم  
دیشب از حدود ساعت ۱۱:۰۰ مگر اطلاع میسر شد که افرادی جفاکاران ارتجاع در هدفیاتی که معمولاً متشکل سازماندهی میشوند تا به اینجا وارد حمله کنند، دویاره جمع شدند و

یک مینی بوس که در شهبانست عمدتاً با سوار و محض برخی کمیتهها هستند از جنوب شهر (ایران خراسان) به منطقه جلوی سفارت آمده و همراه با دیگرترجمینی که همواره به فعالیت های ضدانقلابی خودشان در آنجا ادامه می دهند، حرکت های مشکوک خودشان را شروع کرده بودند. بدینال این اطلاع ما خودمان در بهارستان متوجه شدیم که ماشینهای که در حرکات قبلی هم شرکت داشتند، در اینجا مرتب گشت می زنند و شناسائی می کنند. آنها سعی می کردند، شناسائی کنند که آیا نیرویی هست یا نیست و همچنین بررسی کنند که هنگام حمله از کجا شروع کنند و با چه کیفیتی، بالاخره از حدود ساعت ۱ چاقی داران در دستهای ۸، ۴ نفره، تقریباً دور ساختمان را محاصره کردند و برخی گشت کشیده بودند و در ضمن حال خوب و زنجیر داشتند از در و دیوار به داخل برهیدند و در حالیکه نمره می زدند، به ست ساختمان هجوم آوردند. برادران قهرمان هوادار ما که از همان لحظه که احتمال حمله به اینجا می رفت توجیع کرده بودند، کمال هوشتاری و فداکاری، در ضمن جدیت سعی کردند که حمله مرتجعین را دفع کنند و آنها را از ساختمان بیرون بریزند. در اولی حملاتی که شد اینها با برتاب سنگ، سعی کردند که ششعهای ساختمان را بخصوص، طبقه دوم را که بلند بستی کردن بیاران است، بشکنند.

بهرحال هواداران ما نتوانستند

همان ستاد فوق با فرد فوق الذکر همکاری هم قسم هستند. و این نامه بزورگی که اینجا می بینید متعلق به همین آقای خزانه است.

این یک برگه مأموریت است از



نمای ساختمان امداد پزشکی مجاهدین و شمار گلوله های مرتجعین

کمیته انقلاب اسلامی  
ستاد ۳ منطقه ۱۰  
برادر مصطفی موسوی سرگرو ضربت شماره ۴  
شهر محله ۴ منطقه ۱۰

# هجوم مسلحانه عوامل ارتجاع به مرکز امداد پزشکی مجاهدین مقاومت و مجروح شدن خواهران و برادران ما بار دیگر این حقیقت را با اثبات رساند که ما هرگز در هیچ شرایطی تسلیم منطق رژیم - آوزور و چماق نخواهیم شد .

چقدر با نشانگری و در این مدت برتیا از شلیک می‌شده، که در بیرون می‌گفتند ما شارا بلندگوهای خودشان می‌گفتند ما شارا می‌کنیم و بکفر را زنده باقی نمی‌گذاریم و از اینجا بیرون می‌کنیم.

در همین اثنا ما بازی می‌کردیم که با ستاد مرکزی تماس بگیریم، جریان و باوق را در حالیکه کنار دیوار بصورت درازکش سنگر گرفته بودیم، که گلولهها با اصابت تک از پشت تلفن برای آنها می‌گفتیم و دقیقاً صدای تیر اندازی از پشت تلفن به گوش آنها هم می‌رسید و خودشان هم این سلسله را تأیید می‌کردند. ولی واقفاً تصحیح می‌کردیم که می‌گفتند اینها مردم هستند اما سدها و هزارها نفر هستند و ما کاری نمی‌توانیم بکنیم! اما خودتان دفاع کنید. ما برای آنها می‌گفتیم که اینها مسلح هستند در این شرایط جز افراد سواد و کمیته چکمی اجازه حمله مسلحانه دارد؟ آنهم بدین ترتیب که بدون هیچ دلیلی آشکارا از روی ساختمان شکرکها و منازل به طرف اینجا تیراندازی کنند. شا جلوی اینها را بگیرند، اگر عنصر مسئولی هست، اگر حکمی دارید، اگر سالداری هست، اگر در مورد بازید اینجا کاری می‌خواهید انجام دهید بپایند بازید کنید. ضما می‌توانید بپایند حکمی را که بموجب این آن ساختمان برای امداد پزشکی بر مردم در اختیار ما قرار گرفته بپایند، سندش را ببینید، نمانده خودتان را بفرستید. ما صحبت می‌کنیم، ولی آنها جوابی که به ما می‌دادند دقیقاً مشخصی‌کننده این بود که می‌خواستند ساعده از سر خودشان بازکنند و خیلی بی‌تفاوت ساعده را طوری برزگارکنند که این حمله مسلحانه، همانطور که عناصر مرتجع می‌خواهند شکل بگیرد و بهرچه که می‌خواهند بماند.

آزادش کردیم، خودش با اسلحه داخل آمد و تیراندازی کرد و می‌گفت که من از بیرون هم تیراندازی کردم. ما با آنها گفتیم که شما کمیته‌ای هستید، پاسدار هستید، لاجتنام هم شخصی است و بپایند در کادر قانون صحبت کنید، چون کمیته جز ارگان های سیستم است، معلول است، چرا تیراندازی، چرا فکمی... ولی آنها می‌گفتند، ما نه کمیته ای هستیم، نه پاسدار و نه قانونی داریم که در چارچوبش کار کنیم، ما عناصر ساواکی هستیم که حمله کردیم و اینجا می‌خواهیم اینجا را اشغال کنیم، بهرحال با برخوردهای خیلی سگولانه و هوشیارانه هواداران قهرمانان، ما سعی کردیم از هرگونه شنج بیشتر جلوگیری کنیم، بچماق کتک خوردند، فمه خوردند، چوب خوردند، بیشترین اعضاها به آنها شد ولی باز سعی کردند آرامش

تیراندازی کرد؛ مطالبی می‌بود که من می‌خواستم خدمت خواهران و برادران عرض کنم. اولاً سازمان مجاهدین در برخی نقاط کشور یک سری مراکز امداد پزشکی دارد که از جمله چند شعبه آن در تهران است. و شبعه‌هایی هم در سایر شهرها ست. اینها همه آنها از طریق این شعبه مرکزی امداد اداره می‌شوند. این مراکز امدادمان در مواقع اضطراری نظیر سیل، زلزله و... به کمک مردم می‌باشند و در موارد عادی به بیمارستان طبقات رنجبر و زمختی که توان مالی برای مصالجات اولی غیرجانسی ندارند خدمات درمانی ارائه می‌کنند. این ساختمان که الان در آن هستیم، همانطور که می‌دانید، ساختمان سابق کسکه‌گاه سرنگ زمبابی از عناصر ساواک است. که در زمان انقلاب، مردم آنجا را اشغال کردند و ما با اهداف مقدس تبدیل کردیم

حاضریم از تمام این دعوی در یک دادگاه علنی با حضور عناصر مسئول دفاع کنیم و مدارک، شواهد و دلایل آنرا ارائه دهیم. کما اینکه حدود ۲ ماه پیش هم حالات دانشمندی به ما شد که آنجا هم با عنوان کردیم که این حالات از کجاست و در همان جا هم تقاضا کردیم که یک دادگاه علنی برای رسیدگی به ماجرای حمله به امداد پزشکی مجاهدین تشکیل شود. اینجا دعوت کرده بودیم از آیت‌الله مهدوی کنی، خاشانی و فردوسی دادگاهی تشکیل بدهند که ما با دلیل و مدرک و سند نشان دهیم که چه کسانی هستند. حال علیرغم اینکه قبلاً هشدار دادیم و تمامه نوشتیم که آقا چنین جریاناتی هست، رسیدگی کنید، متأسفانه ترتیب اتوی ندادند. تا اینکه دیشب اینجا بدین ترتیب مورد حمله و تیرسباران و رگبار فرارگرفت، تازه آقا مهدوی کنی سربست ستاد مرکزی انقلاب اسلامی آمدند اینجا محکوم کردند و جالب اینکه کمیته مرکزی اعلام کرده که افراد ناشناسی بودند که حمله کرده‌اند. من فردی نامم افراد ناشناسی، در این حد؟ آنهم با این همه سلاح بی‌س چرا وقتی ما به کمیته مرکزی اطلاع دادیم، و مرتباً تلفن کردیم که آقا بپایند اینجا، ما ببینید چه خبر است. کمیته مرکز به ما جواب می‌دهد، اینها مردم هستند!!

ما ستاد اسداریان منطقه ۶ هم که تماس گرفته شد، (آقا رحمانی اینجا تماس گرفت) که آقا بپایند اینجا دارند مردم را می‌کشند، آنها گفتند تا صبح کار آنجا بکسر می‌شود!! اینجا را به آتش می‌کشند، هماهنگی گفته شد این حسابه حاضر است شهادت بدهد.

بهرحال نکته آخری که شاید به نباشد به آن اشاره کنیم اینستکه چرا در این شرایط و در این روزها، یک چنین حمله‌ای صورت می‌گیرد؟ واقفان! اگر وقت برادران ما نبود، واقفان! می‌توانست تلفات زیادی بجای بگذارد آری بعد از انتخابات، این حمله و هجومها را نیروهای مرتجع، نیروهای عقب‌مانده، نیروهای میر نده که واقفان خودشان را می‌بینند و بطور مشخص از نتیجه انتخابات هم دلرانی هستند. اولاً بقصد ایجاد بلوا و آشوب یک چنین حرکتی را براه انداختند و در ثانی من تصور می‌کنم که اینها بطور مشخص قصد لطمه زدن به شخص امام را دارند، چرا چون بدیهی است که در شرایطی که امام دچار کالت هستند، که ما امیدواریم همانطور که قبلاً هم دعا کردیم و آرزو کردیم هرچه زودتر سلاستی خودشان را بپازایند، در یک چنین شرایطی که امام طالب آرامش مسلکت هستند، این عناصر دست به چنین اقدام وحشیانه می‌زنند و ساختمان و همه افراد را زیر رگبار می‌گیرند. فرض کنید اگر دیروز در اینجا ۱۰ نفر، ۱۵ نفر یا بیشتر خدای تل کرده گشته می‌شدند این خبر به امام می‌رسید چه تاثیر روی امام می‌گذاشت؟! آقا کتبی به شقای امام می‌نگرد و در سلامت امام می‌گذاشت؟

بهرحال فکر می‌کنم اینها، بطور مشخص قصد دارند که به شخص امام چه به لحاظ جسمانی و چه به لحاظ شخصیتان لطمه بزنند، چرا که طبیعی است وقتی که نمکس بنود در همان زمان که امام در تهران حضور دارد، و بیک مرکز امداد پزشکی یک چنین حمله وحشیانه‌ای شده و احیاناً افرادی که سوانق مبارزاتی داشته‌اند و برعلیه رژیم شاه جنگیدند، بی‌گناه بدست مثنی اواریان در اینجا کشته شده‌اند، این به لحاظ سیاسی فاعلتا کمترین مظلومی نخواهد بود. لذا فکر می‌کنم که با پاسخی چیره‌زانی پشت این قضا خواهد بود.

بهرحال با سلسله برخورد جاری بکنند، این است که صبر می‌کنیم، بردباری بخرم می‌دهیم، و اینک متقابل نشان می‌دهیم، ولی اینکه شتی وارد وقتیکه ما داد بزنیم، فریاد بزنیم، کتک بخواهیم، و هیچ مقام مسئولی نخواهد کتکی بکند، مگر مثنی آن روشن است، ما باید خودمان از خودمان دفاع کنیم. و طبیعی است افرادی که هستند، کسانی نیستند که صورت لزوم از جنگ خورند، و احتیاطاً و یا در وقت از جنگیدن، کشته‌شدن، و بقیه در صفحه ۴

که در اینجا مشغول کارند، و به این ساختمانها رفت و آمد دارند و فعالیت های سیاسی و انقلابی و اجتماعی و درمانی خودشان را ادامه می‌دهند، در اینجا تخمین شده‌اند. همچنین خانواده‌های شهدا و زندانیان مجاهد که تا سقوط شاه در زندان بودند و مردم آنها را آزاد کردند و نیز خانواده کارکنان و اعضا سازمان که در این ساختمانها کار می‌کنند، در اینجا تخمین شده‌اند. و خواست آنها رسیدگی، محاکمه و مجازات و محکوم شدن این افراد و افشاشدن اقدامات وحشیانه آنها از طرف مقامات رسمی است.

ما بدلیل اینکه اعتقاد داریم این تهاجمات صرفاً تهاجم به یک فرد و یک سازمان نیست (اگر چه نوبت بپایان رساندن آنها با ما نیست) بلکه تهاجم برعلیه هر نوع ترقی خواهی هرگونه آزادی و آزادیخواهی می‌باشد بدلیل اینکه سوانق مبارزاتی ما کاملاً مشخص و نقش در انقلاب معلوم است.

ما از آغاز انقلاب تاکنون یک تیر شلیک نکردیم. یک فکنگ هدر ندادیم. و تمام رفتار ما همانطور که در دوران اشغالکات به خاطر بود بسیار صبر و بردباری انقلابی ما است. آنها هیچگونه دستسگی هم در دست ندارند. ما این ساختمانها را بهیچ عنوان، با فشار اواریان و جانشینان آنرا بمرمی حمله نمی‌کنیم و به این دلیل است که ما این حملها، صرها، کشته‌دادنها، شهیددادنها را، مقاومت بظاهر پاسداری از آزادی و دموکراسی می‌دانیم، چرا که ما معتقدیم بعد از ما نوبت هر نهاد ترقی خواه دیگریست، چراکه عناصر مرتجع هرچا بوئی ترقی خواهی و انقلاب استعما کنند بیست آن حمله خواهند کرد. کما اینکه الان هم هرچا دستشان برسد می‌کنند ولی طبیعی است که یک بیک پیش خواهند رفت.

بنا براین ما هرگز در مقابل اینها عقب نمی‌نشینیم. و از تمام نیروهای ترقی خواه، مردمی، طرفداران آزادی و دموکراسی، مخصوصاً پزشکان و پرستاران و کتبه کارکنان محترم بیچاره ستانی می‌خواهیم که این اقدامات و این تهاجمات فاشیستی و ارتجاعی را محکوم کنند. و این محکوم کردن را بطور علنی در رسانهای گروهی و جمعی می‌کنند، تا مشخص شود که به هیچ وجه مردم ما و نیروهای ترقی خواه، عناصر صادق حمله یک چنین تهاجمات و عملیات ارتجاعی فاشیستی را ندارند.

بعد از صحبتهای برادر مجاهد مهدی ابریشمی که برادر مجاهدی خیابانی مجدداً خاطرنشان کرد که: «همانطور که گفته شد ما واقفان نمی‌خواهیم اطلاع منتشر شود، بلکه

تخصص خانواده‌های مجروحین حملات ارتجاعی و خانواده‌های مجاهدین خلق و هواداران در اعتراض به حملات وحشیانه قاتلانما

خواهران و این حفظ کنند، این عناصری که واقفان هیچ نشی روی رفتارشان حساب کرد، ولی برخورد ما با آنها طوری بود که بیشتر از این وضع متشنج نبود.

بهرحال این ساله تا حدود ۶ صبح ادامه پیدا کرد. در این مدت آنجا حتی از نماز خواندن بچماق جلو گیری نکردیم.

حدود ساعت ۶ عده خیلی بیشتری از هواداران اولی در گرد آمدند و با شاره‌های گلوله و کتک شاره‌های مرگ بر ارتجاع، اسلام پیروز است، ارتجاع نابودست، جلوی در تجمع کردند و این عناصر که در تنگنا گیر کرده بودند و هرآن امکان داشت که آنها را غائلگی کرده و دستگیرشان کنیم، و با عنصر مسئولی پیدکنیم و آنها را تحویل بدهیم، خودشان متوجه شدند که در بد خصمانی گیر کردند. با اینحال ما باز برای اینکه شنج بیشتری ایجاد نشود و سال بیشتری بوجود نیاید، سعی کردیم که هواداران را توجیه کنیم، از آنها درخواست کردیم، که اجازه بدهیم این عناصر مرتجع را علیرغم ماهیتشان به علیرغم تباری و مشیگری هایشان از ساختمان بیرون فرستیم.

بهرحال حدود ساعت ۷ بود که ما توانستیم بیرون را یک مقدار آرام کنیم و وضعی مرست کنیم و اینها را از ساختمان بیرون ببریم و آنها رفتند و چیزی که باقی گذاشتند یک ساختمان مخربه پر از آثار تیراندازی و تخریب و زلالتها و کارهای وقیحانه‌ای که بیانگر ماهیتشان بود.

یک باید گفت واقعاً استخوانبندی این حملات را بمده دارد در رأس آن فردی است بنام اسدالله، که حزب شخصی در یکی از اتفاقی دفتر حزب جمهوری اسلامی، عناصر خودش را برای فرستادن به اینجا توجیه می‌کند. عناصر اواریان و چاندقار، با اسماهی کوچک، بمنوان نمونه جواد یا علی احمد، که این احمد سازنده عراضی هالی بوده که برادرم اشاره کرد به این شخصان پرزاد شده، اینها را بطور مشخص می‌گرویم و تمام آنها برای هر که در دادگاههای علنی قابل اثبات است و باهمه تاکید می‌کنم که مقامات

تخصص خانواده‌های مجروحین حملات ارتجاعی و خانواده‌های مجاهدین خلق و هواداران در اعتراض به حملات وحشیانه قاتلانما

تخصص خانواده‌های مجروحین حملات ارتجاعی و خانواده‌های مجاهدین خلق و هواداران در اعتراض به حملات وحشیانه قاتلانما



تخصص خانواده‌های مجروحین حملات ارتجاعی و خانواده‌های مجاهدین خلق و هواداران در اعتراض به حملات وحشیانه قاتلانما

سخنان برادر مجاهد مهدی ابریشمی چی:

پس از این گزارش برادر مجاهد مهدی ابریشمی چی عضو کادر رهبری سازمان مجاهدین خلق مطالبی به این

# پیرامون اخلاق اسلامی و بررسی آن در انتخابات : ارزشهای اصیل اخلاق اسلامی مجرد از شرایط اجتماعی و بی رابطه با موضع گیریهای سیاسی - اجتماعی افراد و گروهها نیست .

## تأثیر پایگاه طبقاتی در رفتار و ارزشها

میدانیم که جامعه یک وضعیت عینی است که قانونندیشا و روابط خاص خود را دارد. همین دلیل هم نمیتوان بر اساس ذهنیات و تخیلات فردی یا گروهی که تصور و تفهیرهای من در آرزوی در صورت پدیدهها و تحولات جامعه دلخوش کرد. کما اینکه هر روز در پرتو دستاوردهای علمی و انقلابی طبیب وسیع نظریات فیراوقی تاریخ اجتماعی را که به طرز واضح اشتغالات ذهنی بشر دورتر میشود. در اینجا ما قصد بررسی اینکه دیدگاهها را ندانیم، اما معتقدیم اشاره میکنیم که هر نظری از مکتب اصیل خودی که چه نظر از چه مکتب برخورد انقلابی و واقع گرایانه با سائیل انسانی و اجتماعی داشته اند، فرهنگ بشری تا همین اواخر اساسا فاقد دیدگاههای اصولی در این زمینه بود. همین جهت حرکتها و تحولات جوامع هم در عین حال با انقلابات عمر حاضر عینا آگاهانه صورت نمیگرفت. بزگی دوران ما که بحق عصر کبر الگهی نام گرفته است که نه تنها نابودی امپریالیسم بلکه پیروزی نهائی سوسیالیسم و همسنگان را در چشم اندازد، مبارات دیگر در آینده میریزد به پیروم واقعی سواد نه آگاه هستند و نه پاینده! اینها کسانی که پیش و اولیولوزی و حرکتشان منادی این جنبش بزرگ تاریخی بلحاظ شرایط ذهنی جو در پرتو شناخت صحیح و همه

کتابت با پیشرتهای هر مرحله، مآیاند و با کلمات و مفاهیم جدید وجود متق و نهای پیشتری برخوردار میگردد، همانگونه که بطور کلی مانیات، روابط، ارزشها، فرهنگ و تکنیک و... تکامل مییابند. محنت از انکامل بود که برخی مدعیان دو آتشه اسلام و امام، علیرغم توصیهای امام، چنان سمحهای شرم آوری را بوجود آوردند. اما باستی اضافه کنیم که اینگونه دمازیو مملکدها تاریکی مبارز را به تنها از صدر اسلام بلکه از صدر تاریخ کثر ارزش و مباری بوده است که لویت شده و مورد سوء استفاده و تحریف قرار گرفته است. متکاثرترین مبارزان تاریخ عصری مدل و داد بوده اند. شوربان عادل! گزینت با آریاسیر عدلت برور! همین، مرتجع ترین و فزیرترین نیروها و عناصر هم خود را سلطان و مدافع اسلام خوانده اند و درست و با عین دلیل ما با انواع مختلف و گاه شدیداً متضاد اسلام روبرو بودیم:

از اسلام محمد (ص) تا اسلام بردها از اسلام خلفان زود تا اسلام آریاسیر و... وقتی ناصحت یک مکتب اینگونه بود اختلاف است ارزشها و مبارهای اخلاقی آیم نمیتواند فارغ از این تناوبها و تضادها باشد. بخت اصلی ما در رابطه با ریشتهایی این برداشتها و مملکدهای متضاد مییاند.

از این گذشته مگر ما آنها را مجبور به کار کردن نمودیم؟ آنها آزادند که هر کما که میخواهند بروند، مگر نه اینکه تقاضای کار از ما داشتند؟ ما که از رفتن آنها ضرری نمی بینیم، هزاران کارگر بیکار آرزو دارند دستشان به کاری بند شود!! و از این قبیل...  
و اما اگر از فقر و تهی دستی کارگران در مقابل ثروت و سود بگوران آنها صحبت شود، بدون شک این ساله راکلا غایب و متروغ تلقی میکنند. بزم آنها مگر نه اینکه سرمایهها و استعدادهای خود را در راه تولید و پیشرفت جامعه و نجات زندگی سیکاران بکار انداخته اند؟ پس حق دارند از سودهایی آجتیانی هم برخوردار شوند، از این گذشته بی استعدادی و تسلی دیگران به آنها چه مربوط؟!  
آیا چنین عناصری حاضرند اتهام زدند و چاییدن کارگران زحمتکش را بپذیرند؟ هرگز، بفرض هم در اختلافات آنها "زدی" امر غیر اخلاقی محسوب شود، عمل خودشان را "زدی" نمایند. در حقیقت، هر مبارهای اخلاق طبقاتی آنها چاییدن کارگر وقتی است که از مزد فقر کارگر حقیقت مقداری را نبردند. مثلا ۲۹ تومان بپردازند و ۵۰ تومان حساب کنند! از این قبیل...  
در حالی که میدانیم سودهایی کلان سرمایه داران همان ارزشهای اخلاقی ما در دسترس برداشت شده کارگران است و متونایی جز غارت تمامی ارزشهای انسانی و مبارهای اخلاقی اینگونه سواد استفاده و تحریف قرار میگیرد. مگر جز این است که هر طریقه و قوتی از او را به نام سواد و علم، حق و باطل، آزادی و محارطیاتی، برابری و تبعیض و... مغلطت خاص خود را دارد؟  
البته در این مقاله قصد ورده به تئوری اخلاق و تشریح تفاوت این تئوری در دیدگاههای مختلف را نداریم. همسفر اشاره میکنیم که مثلا از نظر ما در پیش توحیدی برخلاف دیدگاه ماتریالیستی، اولاً تاثیر طبقه طبقاتی نیست، بعداً عینا که اصول اخلاقی صرفا بدون طبقه و بدون یکجانبه در رابطه با تحلیل نمیشوند تا این ارزشهای اخلاقی در جوهر خود هم اعتباری و گذرا نیستند. با بهیاب فلسفی ریشه وجود نشانمان آنها تحورات و موهوبات ذهنی بشر نیست بلکه از متن واقعیت هستی میسرند.  
اما باز بر اساس همین دیدگاه توحیدی ارزشهای اصیل اخلاقی و مشخصا اخلاق اسلامی، مجرد و متنوع از شرایط اجتماعی و طبقاتی و بزرگ و بی رابطه با موفسکریهای سیاسی - اجتماعی افراد و گروهها نیست. به عبارت دیگر بسته به اینکه فرد در خدمت چه طبقه و در رابطه با چه جریانساسی و... باشد میتوان تفاوت کرد که آیا معتقد و ملزم به رعایت اخلاق اسلامی است یا نه. برضی که هیچ کمبودی در ادعا و ظاهر به این ارزشها نداشته باشد.  
این واقعیت از آنجا ناشی میشود که در جوامع طبقاتی هر طبقه و نمایندگان آن شافع خاص خود را دارند که اساسا با منابع طبقه طبقاتی نیروها متفاوت و در بسیاری موارد متضاد است. برضی هر تاریخی شان بهیاب رسیده و آتمندانی ندارند، برضی در نیمه راه هستند اما با بنده ترین طبقات و نیروها آتمندانی و با بنده تر چمتانند دارند.  
لذا طبیعی است که هر کدام بخاطر دفاع از شافع، ارزشها و آرمانهای خود با دیگر نیروها متضاد شوند و در این میان نیروهای یوزول بخاطر دفاع از موجودیت خود در راه تکامل جامعه و مانع آزادی خلق و پیروزی زحمتکشانی میشوند تا شاید بتوانند اعتراضشان را طولانی تر کنند! سایرین آما میتوان از آنجا انتظار داشت که با اخلاق اسلامی وفادار باشند؟ بدون شک مرتجعین چاره ای جز تبت به ردیالترین شیوهها و ضد انسانیترین حرکات علیه اصیل - ترین نیروهای انقلابی ندارند. آنها مذیومانه گمانداری میکنند تا شاید حرکت را متوقف کنند. اما سرانجام همه سنگبایه های خودشان خواهد خورد.  
در طرف مقابل نیروهایی هستند که سبتر آزادی مردم و تکامل جامعه بوده و بخاطر جزو اکثریت نابودی همه نابرابریها می جنگند مگر اخلاقی اصیل اسلامی لازمه چنین آرمانهایی نیست؟ و چه کسانی جز انقلابیون

## یک خبر از اصفهان!!

کسانی که با "مجاهد" سر و کار دارند بخوبی آگاهند که چمستگانی بر سر راه رسیدن آن بدست خواهند بود و وجود دارد. چرا که ما از گذشته و حال فقط و فقط قویترین و جوانان ایستادیم اما مثل آن افرادی که بعد از انقلاب مانند قارچ سبز شده و تمامی امکانات این خلق محروم را بخودشان اختصاص دادند از امکانات وسیع چاب و پیش بر خوردار نیستیم و سایرین باید تمامی امکانات خلق را در این راه بسج کنیم، و الحق که خواران و برادران ما از هیچ کوششی فروگذار نکرده و میکنند. و برستی که فدالگریهایشان در جور ستایش است. اکنون دیگر تقریبا همه میدانند که خواران و برادران ما در شب و روز سرما و گرما و... با چه مشکلاتی روبرو هستند. از کتک خوردن و فحش

کشیدن توسط رجالهای ارتجاع گرفته تا تحمل توهین و تشییات مختلف و گوناگون مقامات رسمی! از میان نامد و خبرهایی که هر هفته بدستمان میرسد همیشه با اینگونه گزارشات روبرو هستیم.  
برادری را در میدان شوش به جرم فروش مجاهد کشت میزنند. برادر دیگری را به همین اتهام در میدان خراسان به گیمت جلب میکنند! و خواری را در مدرسه مورد تهاجم قرار میدهند که "پرا" مجاهد" فروخته ای...  
از این میان گزارش جالبی داشتم در مورد رفتار سیاه پاسداران در اصفهان برادران اسکول توزیع و فروش "مجاهد" شماره ۱۱.  
روز چهارشنبه ۲۶ دیماه شنبه توسط گارژ به اصفهان میرسد، روزی

برادران سه چهار روز مسافه را از طریق یکی از مسئولین سیاه پاسداران و فرمانداری پیگیری میکنند. ولی باز هم انگار تا اینکه آخرا را یکی از مسئولین سیاه میگوید:  
"شیرینه نرد ماست و شما باید برای تحویلشان یک عدد رسمی بنویسید تا بدیم"  
بدین ترتیب و به نام ۶ روز شترینه تحویل میگرد. در حالی که از تعداد کل شترینه ۱۰۰ عدد گم شده بود. اینگونه کل برادرانی در سیاه خواستند شترینه را مطالعه کنند و با فردی بخاران خود خواسته مانع رسیدن پیام و گلام ما به ۱۰۰ نفر باشد. برایمان معلوم نیست، گویانکه از صمیم قلب امیدواریم مورد اول باشد. اما یک موضوع برمان مثل روز روشن است و آن اینست که کسانی که ۶ روز جلو پیش "مجاهد" را در اصفهان گرفتند، نخواهند توانست حتی لحظهای جلو آگاهی تودهها و پیشرفت جامعه و تاریخ را بگیرند.

## شهید دزدی سارقین سیاسی!!

از درک و ارائه مادترین معاصم انقلابی اسلام عاجز است، و انقلاب جبار را با قدرمکتی علیه انقلابیون سرکوب نظامی ملیتپهائی تحت ستع عوشی گرفته، یک تنه بدعی اسلام و انقلاب و مجاهدیون است. گروهکی که دقیقا برای کوبیدن راه مجیدتشریف



آنزونی که این مجاهدان دلاور نامکوت شب را شکستند و قهرمانانه شهید شدند جزیه حاکم کجا بود؟

بدهبست که این واقعیت نیراز همان فاعده کلی درگیری و سازش نیروهای ما با متضاد ناشی می شود متنتی شکل بروز آن و میدان مانیر هر یک از این نیروها بستگی به مرحله انقلاب و مشخصا حاکمیت هر کدام از آنها دارد.  
طبعتا یک رژیم فیرانقلابی شای تلاش اینست که انقلابیون را از سمنه خارج کند و متقابل سیدان را برای فرصت طلبان، مرتجعین و انقلابیون بعد از انقلاب باز میگذارد. برضی یک رژیم انقلابی هیچ وجه نمی تواند با پایگاههای امیرا - مذیوم از ارتجاعی ما سازگار از در آتی درده، چه رسد به اینکه انقلابیون را بدست آنها قربانی کند و چنین سبستی است که مرتجعین و ضدانقلابیون سرما راه زوال می یابند. گویانکه در فرحال زوال سبترت متحمم آتمندانی لکجه بطور مقلی تسلط پاینده و همه چیز را انحصار طلبانه تصاحب کنند.  
الفم پیروانی لاری.

دفاع کردن از خودشان هراس و وحشتی داشته باشند و یا احساس ناانوائی میکنند.  
با اینهمه ما واقعا دلمان می خواهد و آرزو می کنیم که چنین چیزهایی اتفاق نیفتد و مقامات مسئول سلکت این مسئله را بیگیری و حل کنند. بالاخره سلکت طبقاتی ما مسئول دارد، نیروهای انتظامی دارد، کما اینکه اگر خدای نکرده یک تیری از جانب ما شلیک شود آتوت تمام مسئولین پیدا می شوند، ما را به محکمه می کشند، به دادگاه می کشند، ولی نمی دانم چرا در مقابل این حوادثی که عینا با صورت میگیرد، هیچ واکنشی و تبلیغ سولیتوی، بخرج دیده نمی شود. بهر حال مبارزه امیدوار که واکنش درستی نشان داده بشود. بخصوص از تمام نیروهایی که نگران آزادیها هستند، می خواهیم که بدفاع بپیوندند، صدایشان را بلند کنند تا همه بتوانیم در یک محیط سالمی زندگی کنیم.  
در پایان چند نفر از خبرنگاران سوالاتی در رابطه با حمله به مرکز امداد پزشکی مطرح نمودند که توسط برادر مجاهد موسی خیابانی پاسخ دادند.